

اختلاف قرائت یا تحریف قرآن

نگاهی به نقل روایات شیعه در تفسیر التبیان

مرتضی کریمی نیا*

چکیده

مقاله حاضر به بررسی برخی روایات دال بر تحریف قرآن می‌پردازد که متون حدیثی و تفسیری کهن شیعه آنها را به ائمه علیهم‌السلام نسبت داده‌اند، اما شیخ طوسی نخستین بار در تفسیر خود، در عین رد صریح اندیشه تحریف قرآن، برخی از این روایات را به عنوان توضیحی تفسیری در فهم آیات قرآن به کار گرفته است. نحوه استفاده شیخ طوسی از این روایات در تفسیر التبیان سبب شده است که مفسران شیعه دنباله‌روی وی مانند طبرسی، بعدها اغلب این اخبار را در شمار روایات «اختلاف قرائت» منسوب به ائمه علیهم‌السلام و در کنار قرائات سایر قراء مشهور و شاذ ذکر کنند.

کلید واژه‌ها: تفسیر شیعه، شیخ طوسی، التبیان فی تفسیر القرآن، تحریف قرآن، اختلاف قرائت، قرائات ائمه.

اگر از مجموعه روایات پراکنده تفسیری - که به نقل از پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم، علی بن ابی طالب رضی‌الله‌تعالی‌عنه، ابن عباس و دیگران در متون و مراجع روایی امامیه آمده است - بگذریم، نخستین کوشش تفسیری شیعه را باید به تعالیم امام زین‌العابدین رضی‌الله‌تعالی‌عنه و بیشتر از آن، امام باقر رضی‌الله‌تعالی‌عنه و امام صادق رضی‌الله‌تعالی‌عنه نسبت داد. آموزه‌های قرآنی و تفسیری این امامان شیعه در قالب روایاتی خاص مکتب شیعه از طریق راویان و اصحاب ایشان نقل شده است. این شیوه تفسیری - که در زمان حیات امامان بعدی تا دوران غیبت صغری ادامه یافته است - عمدتاً بر نقل روایات تفسیری امامان متمرکز است و در آنها، به ندرت به آرای شخصی خود راویان پرداخته می‌شود. برخی از شاگردان مستقیم ائمه علیهم‌السلام روایات تفسیری ایشان را در اصل‌های خود آورده‌اند که بعدها مورد استفاده دیگر راویان و مدونان تفسیری قرار گرفته است.

مهم‌تر از این، باید به برخی از اصحاب ائمه اشاره کرد که تألیف مستقلی در زمینه قرآن، تفسیر یا حتی قرائات قرآن فراهم آورده‌اند.

آغاز ادبیات نوشتاری شیعه را تقریباً می‌توان به اواخر دوره اموی و در میانه قرن دوم هجری نسبت داد. در آن روزگار، ثبت مسموعات حدیثی در دفاتر از سوی راویان حدیث، از جمله راویان شیعی کمابیش آغاز شده بود. اندکی پس از آن نیز تدوین کتاب‌های فرم یافته‌تری درباره علوم قرآنی و فقه هم آغاز شد.^۱ قدیم‌ترین آثار قرآنی و تفسیری شیعه را می‌توان به دو دسته مجزا از نظر زمانی تقسیم کرد: نخست تفسیر شیعه در عصر ائمه (تا آغاز غیبت صغری) و دوم تفسیر شیعه در دوره تدوین (از آغاز غیبت صغرا تا پایان قرن چهارم). مجموعه این دو مرحله را در مقایسه با تحولات تفسیرنگاری شیعه در قرن پنجم در بغداد، می‌توان «تفسیر پیش - طوسی» نامید.

تفسیر شیعه در عصر ائمه ناقلان و حاملان مختلفی داشته است. گاه در میان ایشان برخی از چهره‌های بسیار معروف شیعی را می‌یابیم که تراجم‌نگاران شیعه آنها را در تمام یا بخشی از زندگی‌شان، متعلق به جریان معروف به امامیه نمی‌دانند؛ مثلاً زیاد بن منذر، معروف به ابوالجارود زیدی، ابوالحسن علی بن ابی حمزة البطائنی و ابومحمد حسن بن علی بن ابی حمزة البطائنی هر دو واقفی، و احمد بن محمد سیاری بصری و محمد بن عیسی بن عبیدالیقطنی از غلات دانسته شده‌اند.^۲ در مقابل، برخی چون جابر بن یزید جعفی (م ۱۲۸ق)، ابان بن تغلب (م ۱۴۱ق) و ثابت بن دینار، معروف به ابوحمزة الثمالی (م ۱۴۸ تا ۱۵۰ق)، از جمله ناقلان تفسیری‌اند که همواره در میان رجالیان شیعه از مدح و تمجید برخوردار شده‌اند.

محتوای تفاسیر شیعه را، چه در عصر ائمه و چه در دوره تدوین، می‌توان به سه بخش مجزا تقسیم کرد: الف. روایات اختلاف قرائات و مصاحف، ب. روایات قرآن‌شناخت یا به اصطلاح، روایات علوم قرآنی، ج. روایاتی که به تفسیر آیات می‌پردازند و ما آنها را در این جا روایات تفسیری می‌نامیم. در دسته نخست، کم‌ترین تعداد روایات تفسیری شیعه جای می‌گیرند و دسته سوم بیشترین حجم روایات را در خود جای داده است. در این نوشتار، تنها به بررسی دسته نخست نیز تلاش شیخ طوسی در برخورد با این روایات خواهیم پرداخت.

۱. میراث مکتوب شیعه ...، ص ۱۱.

۲. این گونه انحراف‌های مذهبی در بسیاری موارد، سبب کنار گذاشتن روایات فقهی یا تفسیری چنین کسانی نشده است؛ به عنوان مثال، شیخ طوسی (الفرست، ص ۵۴) درباره اسحاق بن عمار ساباطی می‌گوید «وی صاحب یک اصل و نیز فطمی [قابل به امامت عبدالله بن جعفر بن محمد] است؛ با این همه، موثق است و اصل او از کتاب‌های مورد اعتماد ماست». نیز برای نقل روایات تفسیری علی بن ابی حمزة البطائنی در تفاسیر و منابع حدیثی شیعه، ر. ک: میراث مکتوب شیعه...، ص ۲۳۴-۲۳۶. نمونه دیگر ابوالجارود است؛ با آن‌که «وی از اصحاب امام باقر بود، اما باقیام زید بن علی به وی گرایید و زیدی شد» (رجال النجاشی، ص ۱۷۰). طوسی در تفسیر خود، الثبیان، تنها و تنها روایات وی را از میان روایات شیعه با ذکر نام راوی نقل می‌کند. برخی چون آقابزرگ تهرانی (الدرر، ج ۴، ص ۲۵۱) معتقدند وی این تفسیر را در زمان استقامتش تدوین کرده است.

۱. قرائات در متون روایی شیعه

با آن که سه تن از معروفترین قاریان هفت‌گانه را شیعه دانسته‌اند،^۳ تا پیش از شیخ طوسی نقل قرائات مشهور کم‌اهمیت‌ترین بخش در روایات تفسیری شیعه به شمار آمده است. متون و مراجع شیعه و سنی به بسیاری از امامان شیعه در برخی آیات قرآن، قرائتی خاص، و حتی گاه به برخی از ایشان چون امام صادق^ع مصحفی خاص هم نسبت داده‌اند.^۴ برخی از این قرائات را اصحاب ائمه نقل نکرده‌اند، بلکه ناقل آنها عمدتاً نویسندگان کتب تفسیر و قرائات چون طبری، زمخشری، ابن خالویه، ابوعمرو دانی، و ابن جَزَری بوده‌اند. مجموعه‌ای از این قرائات خاص ائمه^ع - که در مراجع و متون تفسیری شیعه و اهل سنت آمده است - به همت مجیب الرفیعی در قرائات اهل البيت القرآنیة گردآوری شده که به نظر بسیار ناقص می‌نماید.^۵ مایر بر - آشر هم در مقاله‌ای مفضل اغلب روایات شیعی در متون حدیثی کهن امامیه تا عصر کلینی را گرد آورده است که به اختلاف در نحوه قرائت یا کتابت آیه‌ای از قرآن پناز رأی ائمه اشاره دارند؛^۶ گو این که بسیاری از این موارد را می‌توان شأن نزول آیه یا توضیحات تفسیری منقول از ائمه دانست.

هرچه از نخستین سده‌های پس از عصر غیبت به این سو می‌آییم، مفسران شیعه کمتر به نقل قرائات خاص اهل بیت^ع می‌پردازند و در عوض حجم منقولات قرائتی از قاریان مشهور یا حتی شاذ بیشتر و بیشتر می‌شود. در قدیم‌ترین متون مدون تفسیری شیعه - که همگی پیش از دوره شیخ طوسی فراهم آمده‌اند - اشارات فراوانی به نحوه قرائت خاص ائمه در برخی آیات قرآن می‌یابیم. برخی از این موارد به آیت‌های مربوط می‌شوند که قرائت منقول، تفاوت معنایی بزرگی ایجاد می‌کنند؛ مثلاً «کنتم خیر ائمة» به جای «خیر امة»^۷ یا «بلغ ما أنزل الیک»^۸ [فی علی]،^۹ در التبیان، نخستین تفسیر کامل شیعه - که به دست شیخ طوسی در قرن پنجم فراهم آمده است - باز هم مواردی از نقل اختلافات قرائات را می‌یابیم؛ با این تفاوت که اولاً این نقل‌ها همراه با نقل قرائات متداول هفت‌گانه

۳. این سه تن عبارت‌اند از: ۱. عاصم بن بهدلة ابی‌النجد الكوفی، (معجم رجال‌الحدیث، ج ۱۰، ص ۱۹۵) ۲. حمزة بن حبیب المقرئ الكوفی از اصحاب امام صادق، (الرجال، ص ۱۹۰؛ معجم رجال‌الحدیث، ج ۷، ص ۲۷۹) ۳. علی بن حمزة بن بهمن الكسانی. (همان، ج ۱۲، ص ۲۲۸) برای شرحی از احوال ایشان، ر. ک: التبیان فی تفسیر القرآن، ص ۱۳۰ به بعد.

۴. تاریخ القرآن، ص ۷۹-۷۸. سخن ابو عبدالله زنجانی در این باره منقول از تفسیر شهرستانی است؛ اما ظاهراً انتساب مصحفی خاص به امام صادق^ع قطعی نباشد. در فصل سوم از مقدمه تفسیر شهرستانی تنها از روایت امام صادق^ع درباره ترتیب نزول سوره‌ها سخن رفته است، ر. ک: مفاتیح الأسرار و مصابیح الأبرار، ص ۱۲۸-۱۳۳.

۵. قرائات اهل البيت القرآنیة، مجیب الرفیعی، قم: دارالغدیر، ۱۴۲۴ ق/ ۲۰۰۳؛ نیز ر. ک: قرائات ائمه.

۶. Meir M. Bar-Asher, "Variant readings and additions of the Imāmi-Šīa to the Quran", in *Israel Oriental Studies*, 13 (1993) pp. 39-74.

۷. سوره آل عمران، آیه ۱۱۰.

۸. سوره مائده، آیه ۶۷.

۹. تفسیر العیاشی، ج ۱، ص ۱۹۵؛ تفسیر القمی، ج ۱، ص ۱۰-۱۱، ج ۲، ص ۲۰۱؛ برای نمونه‌هایی دیگر از این موارد، ر. ک: الکافی، ج ۱، ص ۴۱۶-۴۱۷، ۴۱۷-۴۲۲، ۴۲۵.

یا ده‌گانه‌اند و ثانیاً هیچ‌یک از روایات اختلاف قرائات منسوب به اهل بیت، دال بر تحریف یا نقصان آیات نیستند.^{۱۰}

۲. قرائات در التبیان شیخ طوسی

توجه به نقل قرائات مختلف در التبیان بسیار چشمگیر و غیرقابل قیاس با تفاسیر روایی شیعه پیش از طوسی است. وی نه تنها از قاریان هفت‌گانه معروف نقل می‌کند، بلکه قرائت هفت قاری دیگر^{۱۱} را نیز مورد توجه قرار می‌دهد.^{۱۲} افزون بر این، نقل قرائات شاذ یا قرائات منسوب به برخی از صحابه در تفسیر التبیان امری بسیار رایج است.^{۱۳} این از آن روست که شیخ طوسی در مقدمه تفسیر خود^{۱۴} قصدش را تألیف کتابی حاوی تمام علوم قرآن، و در صدر همه قرائت، می‌شمارد. از همین رو، در جای‌جای این تفسیر، گاه بخشی مجزا با عناوینی چون «القرءاء»، «القرءاء و الحجءاء»، یا «القرءاء واللغة» می‌گشاید و در آن به بحث از وجوه مختلف قرائات می‌پردازد. این روش به شکلی منقح‌تر بعدها در تفسیر مجمع البیان ادامه یافته است.

به نظر علامه عسکری^{۱۵} ورود تمامی اقوال مربوط به اختلاف قرائات از کتب اهل سنت به متون شیعی دو سبب داشته است: یکی تأثیر غلات یا سوء نیت و دوم، کار برخی علما از روی حسن نیت. در قسمت اول، وی مهم‌ترین شیعه غالی و واردکننده این روایات به متون شیعی را ستیاری^{۱۶} می‌داند و در قسمت دوم، مهم‌ترین عالم (با حسن ظن) شیعی را شیخ طوسی می‌شمارد که در التبیان خود با امانت کامل، قرائات را از کتب اهل سنت (مدرسة الخلفاء) نقل می‌کند (همچنان که به برخی از مرویات آنها نیز اعتماد و نقل می‌کند). پس از او، طبرسی، ابوالفتوح رازی، ابوالمحاسن جرجانی (در

۱۰. برای نمونه‌هایی از نقل قرائات منسوب به ائمه در تفسیر التبیان، ر. ک: التبیان ج ۳، ص ۲۹۷. یا گفته علامه عسکری (القرآن الکریم و روایات المدرستین، ج ۳، ص ۲۵۱)، طبرسی حتی قرائاتی را از تفاسیر اهل سنت چون زمخشری و قرطبی ذکر می‌کند که در التبیان شیخ طوسی نیامده است. این نکته‌ای بسیار مهم و درخور توجه است؛ اما باید توجه داشت که طبرسی در زمان تألیف مجمع البیان اساساً تفسیر الکشاف زمخشری را ندیده بوده است (ر. ک: تفسیر جوامع الجامع، ج ۱، ص ۴۸) و تفسیر قرطبی (م ۶۷۱ق) نیز سال‌ها پس از وفات طبرسی نگاشته شده است. بنابراین، نقل‌های طبرسی در مجمع البیان نمی‌توانسته از زمخشری یا قرطبی باشد. به عکس، در آنها مواردی می‌توان یافت که به روشنی بر اخذ از متون و مؤلفان شیعه دلالت دارند؛ مثلاً در مجمع البیان، ج ۵، ص ۱۹، روایتی از ابن عقده (م ۳۳۲ق) از عریف / غریف بن الوضاح جعفی از امام باقر^ع در ذیل آیه «فَقَاتِلُوا أُمَّةً أَلْفَتْكُمْ إِنَّهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ لَهُمْ لَعَلَّهُمْ يَنْتَهُونَ» (سوره توبه، آیه ۱۲) آمده که می‌گوید امام^ع آیه را با ایمان خوانده است. برای نمونه‌های دیگر، ر. ک: مجمع البیان، ج ۴، ص ۴۱؛ ج ۷، ص ۲۸۳؛ ج ۸، ص ۹۲؛ ج ۱۰، ص ۲۶۴.

۱۱. این هفت تن عبارت‌اند از: ابوجعفر مدنی، یعقوب بن اسحاق حضرمی، خلف بن هشمام بزار، حسن بصری، ابن محیسن مکی، سلیمان بن مهران اعمش، و یحیی بن مبارک یزیدی.

۱۲. «التبیان فی تفسیر القرآن»، ص ۴۶۸-۴۶۹.

۱۳. منتهج الشیخ ابی جعفر الطوسی ...، ص ۱۶۳-۱۶۵-۱۷۹-۱۸۷.

۱۴. التبیان، ج ۱، ص ۲.

۱۵. القرآن الکریم و روایات المدرستین، ج ۳، ص ۲۴۶ به بعد.

۱۶. درباره احمد بن محمد بن سیار (ابو عبدالله الکاتب البصری)، معروف به ستیاری و اثر تفسیری وی به تکریمه پایانی همین مقاله مراجعه شود.

قرن نهم هجری) و محمّد بن مرتضی کاشانی (م ۱۱۱۵ق) در تفسیر المعین همین شیوه طوسی را ادامه داده‌اند.

علامه عسکری^{۱۷} تفاوت ستیاری با شیخ طوسی را در این می‌داند که طوسی با امانت کامل تمام این اختلاف قرائات را به اصحاب اصلی‌اش نسبت می‌دهد و هیچ چیز از خود نمی‌افزاید، اما ستیاری همواره سندی از پیش خود می‌سازد و همان مطالب را به ائمه اهل‌البیت^{علیهم‌السلام} نسبت می‌دهد؛ گاه نیز از پیش خود چیزی می‌سازد و به ائمه نسبت می‌دهد. علامه عسکری سپس با بررسی روایات اختلاف قرائت نقل شده در التبیان در ذیل آیه «صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ»^{۱۸}، نتیجه می‌گیرد که چون طوسی همه‌جا مصادر اختلاف قرائات را از اهل سنت ذکر می‌کند و تنها در یک‌جا با صیغه مجهول می‌گوید: «و روی ذلك عن أهل البيت»، لذا مراد وی در این‌جا ستیاری است که هم لحن شیخ طوسی در این عبارت بر ضعف او دلالت دارد و هم خود وی در کتب رجالی‌اش او را تضعیف کرده است.

این استدلال درست نمی‌نماید. سخن علامه عسکری در صورتی صحیح است که در هیچ جای التبیان سخن صریحی دالّ بر نقل اختلاف قرائات ائمه نیامده باشد. به عکس، طوسی گرچه روایات شیعه دالّ بر تحریف و نقصان قرآن کریم را تضعیف می‌کند و هیچ‌گاه این دسته روایات را در تفسیر خود نمی‌آورد، اما منقولات مرتبط با اختلاف قرائات ائمه را از قبیل تحریف نمی‌شمارد. وی در مواضع فراوانی از تفسیر خود، هنگام بحث درباره نحوه قرائت آیه، می‌گوید: «و فی قراءة اهل البيت كذا». نمونه‌های بیشتری از این قبیل را می‌توان در التبیان، ج ۲، ص ۴۴۱، ج ۵، ص ۷۲، ۲۶۰، ۳۱۶، ج ۶، ص ۲۲۸، ۲۶۲؛ ج ۷، ص ۴۶۱، ۵۱۲؛ ج ۸، ص ۳۸۴؛ ج ۹، ص ۳۶۵؛ ج ۱۰، ص ۵۲ یافت. تقریباً در هیچ‌یک از این موارد، سخنی دالّ بر ضعف روایت یا تضعیف راوی به چشم نمی‌خورد.

نکته مهم در چگونگی نقل روایات اختلاف قرائات ائمه^{علیهم‌السلام} در تفسیر التبیان است. مفسران پیش از شیخ طوسی، چون علی بن ابراهیم قمی و عیاشی، و محدثان اخباری پس از وی، تقریباً به اجماع چنین روایاتی را شاهدهی صریح بر تحریف قرآن و وقوع تغییر بر خلاف ما انزل الله دانسته‌اند. در مقابل، برخی مفسران شیعه پس از شیخ طوسی، چون طبرسی، ابوالفتوح رازی، و ابوالمحاسن جرجانی این‌گونه روایت را از قبیل اختلاف قرائات دانسته‌اند و اغلب در لابه‌لای مباحث مربوط به قرائات در تفاسیر خود گنجانده‌اند. اما ورود این دسته روایات به التبیان شیخ طوسی تقریباً بی‌نظیر است. این روایات تقریباً همگی در میانه بحث‌های تفسیری التبیان آمده‌اند؛ نه نکات ادبی یا قرائتی. به تعبیر دیگر، شیخ طوسی این دسته روایات ناظر به نحوه قرائت خاص ائمه^{علیهم‌السلام} را هیچ‌گاه در ضمن قرائات معروف قراء هفت‌گانه یا ده‌گانه ذکر نمی‌کند. چنین قرینه‌ای نشان می‌دهد که کارکرد این دسته روایات از نظر وی صرفاً تفسیری و به منظور شرح و بیان مدلول آیه بوده است. وی، به ندرت،

۱۷. همان‌جا.

۱۸. سوره فاتحه، آیه ۷.

تلاش می‌کند که امامان شیعه را در شمار و در کنار قراء معروف بنشانند.^{۱۹}

یک قرینه مهم این است که طوسی گاه همین عمل را با تعبیر «و فی تفسیر اهل البیت کذا» انجام می‌دهد، و مطلبی را یادآور می‌شود که می‌توانسته در شمار اختلاف قرائات قرار بگیرد، اما، به صراحت، آن را از قبیل تفسیر و بیان آیه می‌داند؛ مثلاً در ذیل آیه «لَهُ مُعَقِّبَاتٌ مِّن بَيْنِ يَدَيْهِ وَمِنْ خَلْفِهِ يَحْفَظُونَهُ مِنْ أَمْرِ اللَّهِ»^{۲۰} پس از ذکر معانی و بیانات مختلف از مفسران و ادباء، می‌نویسد:

و فی تفسیر اهل البیت انّ معناه یحفظونه بأمرالله.^{۲۱}

قرائت «بأمرالله» به جای «من أمر الله» در متون روایی و تفسیری شیعه بسیار مشهور است. منشأ این سخن روایتی از امام صادق علیه السلام است که علی بن ابراهیم قمی^{۲۲} آن را چنین نقل می‌کند:

در محضر امام صادق علیه السلام این آیه خوانده شد، امام به قاری فرمود: «مگر شما عرب نیستید؟ چگونه معقبات من بین یدیه (پیشاپیش) می‌تواند باشد؟ معقبات همیشه از پشت سر (من خلفه) است.» مرد گفت: «فدایت شوم، پس این آیه چگونه است؟» فرمود: «آیه چنین نازل شده است: له معقباتٌ من خلفه و رقیبٌ بین یدیه یحفظونه بأمر الله...»

عیاشی^{۲۳} روایت مذکور را از برید عجلی^{۲۴} به نقل از امام صادق علیه السلام، و ابن شهر آشوب^{۲۵} همان را به نقل از حرمان بن اعین از امام باقر علیه السلام، روایت می‌کنند.^{۲۶} دیگران چون طبرسی^{۲۷} روایت امام صادق علیه السلام را به طور کامل در بحث قرائات تفسیر خود گنجانده و از آن کارکرد صرفاً قرائتی منظور داشته‌اند.^{۲۸} طبرسی، به علاوه، می‌افزاید که قرائت «یحفظونه بأمر الله» از علی علیه السلام، ابن عباس،

۱۹. از سوی دیگر، مفاد ظاهری این روایات - که بر تحریف یا تغییر در قرآن دلالت می‌کنند - مورد قبول شیخ طوسی نبوده است. وی در آغاز تفسیر، (التبیان، ج ۱، ص ۳) به صراحت و به تبع شریف مرتضی می‌گوید که قرآن تحریف نشده و تمام اخبار عامه و خاصه دربارهٔ نقصان یا جابه‌جایی آیات قرآن از قبیل احاد است که نه موجب علم است و نه مبنای عمل.

۲۰. سوره رعد، آیه ۱۱.

۲۱. التبیان، ج ۶، ص ۲۲۸.

۲۲. تفسیر القمی، ج ۱، ص ۳۶۰.

۲۳. تفسیر العیاشی، ج ۲، ص ۲۰۵.

۲۴. مقایسه کنید: تفسیر نور الثقلین، ج ۲، ص ۴۸۶ که روایت عیاشی را از شریک عجلی از امام صادق علیه السلام نقل می‌کند.

۲۵. مناقب آل ابی طالب، ج ۳، ص ۳۲۸.

۲۶. تفسیر القمی، ج ۱، ص ۱۰ به روشنی این آیه را به شمار مواردی می‌شمارد که در مصحف بر خلاف ما انزل الله ثبت شده‌اند، و محقق بحرانی (المحذوق الناظر، ج ۱۹، ص ۱۴۴-۱۴۵) تصریح می‌کند که روایت مذکور به درستی (و علی أصح الأوقال) بر وقوع تحریف در قرآن دلالت دارد. ملامحسن فیض کاشانی (التفسیر المصافی، ج ۱، ص ۴۹-۵۰) نیز با نقل سخنان علی بن ابراهیم قمی بر وقوع تحریف و تغییر در مصحف با فشاری می‌کند. چنین دیدگاه‌هایی در قیاس با نحوه استفاده شیخ طوسی از همین روایت در تفسیر التبیان، نشان می‌دهد که وی صرفاً از این روایت استفاده تفسیری کرده است تا معنای عبارت «یحفظونه من امر الله» را روشن تر می‌کند. طوسی نه تحریف را می‌پذیرد و نه حتی این روایت از قبیل اختلاف قرائات قلمداد می‌کند.

۲۷. مجمع البیان، ج ۶، ص ۱۵.

۲۸. از میان مفسران اهل سنت، طبری (تفسیر الطبری، ج ۱۳، ص ۱۵۵) بدون اشاره به نام هیچ قاری، تنها می‌گوید کسی یا کسانی «یحفظونه بأمر الله» هم خوانده‌اند. دیگر مفسران شرق عالم اسلام، تقریباً همین سخن را تکرار کرده‌اند. (ر. ک: تفسیر القرآن العظیم، ج ۲، ص ۵۲۲؛ الدرر المستور، ج ۴، ص ۴۷) در مغرب اسلامی، ابن عطیة (المحرر الوجیز، ج ۳، ص ۳۰۱) قسمت نخست

عکرمه و زید بن علی نیز نقل شده است.^{۲۹}

اکنون باید بپرسیم آیا شیخ طوسی هیچ‌گاه از منقولات قرائتی منسوب به ائمه ذکری به میان می‌آورد که در آن، به تفسیر اهل بیت نظر نداشته باشد و تنها بر بیان صرف قرائت تأکید بورزد؟ پاسخ این پرسش مثبت است؛ اما روش طوسی در این موارد، متفاوت از هنگامی است که ضمن تفسیر آیه می‌گوید: «و فی قراءه اهل البیت کذا». چنانچه وی درصدد بیان قرائت صرف باشد، اقوال منسوب به امامان شیعه را با تعبیری چون: «و قرء فلان کذا» یا «و به قرء فلان» در کنار دیگر قرائت می‌آورد. یک نمونه آن ذکر اختلاف قرائت در ذیل آیه «أَفَلَمْ يَأْتِسَّ الَّذِينَ آمَنُوا...»^{۳۰} است که وی می‌نویسد: وَ رُوِيَ عن ابن عباس أَنَّهُ قرأ «أفلم يأتين الذين آمنوا» من التبيين، و روى مثله عن علي عليه السلام رواه الطبري.^{۳۱}

این در حالی است که کمی قبل، شیخ طوسی در بیان معنا و تفسیر آیه می‌گوید:

به نظر ابن عباس و برخی دیگر معنای أفلم یا یئس همان أفلم يعلم است.

این نشان می‌دهد در این‌جا صرفاً به نقل قرائت نظر داشته و درصدد بیان تفسیر آیه به نظر ائمه نبوده است؛ چه در آن صورت می‌توانست همان‌جا که دیدگاه تفسیری ابن عباس را آورده، روایت منسوب به ائمه را نیز به عنوان مؤید این معنا ذکر کند.^{۳۲} از قرائن و شواهد فوق، مقایسه روش طوسی با دیگر محدثان و مفسران قبل و بعد او در برخورد با این روایات، و به‌ویژه به کارگیری تعبیری چون «وفی تفسیر اهل البیت کذا»، می‌توان استنباط کرد که شیخ طوسی در تفسیر التبیان خود راهی برای زدودن روایات تحریف از حوزه تفسیر امامیه گشوده

روایت امام صادق را با کمی تغییر، قرائت ابی بن کعب می‌داند: «من بین یدیه و رقیب من خلفه» همو از ابو حاتم نقل می‌کند که ابن عباس آیه را چنین خوانده است: «له معقبات من خلفه و رقیب من بین یدیه یحفظونه بأمر الله». و در آخر می‌گوید قرائت «یحفظونه بأمر الله» منسوب به علی علیه السلام، ابن عباس، عکرمه و جعفر بن محمد علیه السلام است. ابویحییان غرناطی (البحر المحیط، ج ۵، ص ۳۶۴) نام زید بن علی را نیز بر این چهار تن می‌افزاید و ابوزید ثعالبی (الجواهر الحسان فی تفسیر القرآن، ج ۳، ص ۳۶۳) نیز سخن ابن عطیه را خلاصه وار نقل می‌کند.

۲۹. تفسیر «من أمر الله» به «بأمر الله» در این آیه ظاهراً در میان ادبا و لغویان قرن دوم هجری امری مقبول و رایج بوده است. ر. ک: کتاب العین، ج ۱، ص ۱۸۰؛ وی می‌نویسد: «و قوله تعالى یحفظونه من أمر الله... ای یحفظونه بأمر الله». این تعبیر را در تفاسیر ادبی قرون بعد نیز به وفور می‌توان یافت. از این‌جا می‌توان حدس زد چنانچه روایات قمی و عیاشی از صادقین علیه السلام در نحوه نزول آیه مجعول بوده باشند، جاعل در هنگام وضع به خوبی توانسته است از قول مشهور یا دست‌کم متداول و مسعوم در منطقه عراق استفاده کند.

۳۰. سوره رعد، آیه ۳۱.

۳۱. التبیان، ج ۶، ص ۲۵۴-۲۵۵.

۳۲. سه نمونه دیگر چنین است: قرأ الأعمش و یحیی بن یعمر إلا الثقار أفحسب بتسکین السین و ضم الباء و هی قراءه علی. الباقون یکسر السین و فتح الباء (التبیان، ج ۷، ص ۹۶)؛ و قرأ أبو جعفر المدني لِنَحْوِ قَتْنَةَ بفتح النون و سکون الحاء و ضم الراء بمعنی لِنَبْرَدْنَهُ و روى ذلك عن علی عليه السلام (التبیان، ج ۷، ص ۲۰۵). قرأ نافع لا تسأل بفتح التاء و جزم اللام علی النهی و روى ذلك عن ابی جعفر محمد بن علی الباقر عليه السلام (التبیان، ج ۱، ص ۴۳۶). نمونه‌های بیشتر در ج ۱، ص ۴۳ و ج ۳، ص ۲۹۷ آمده است. سیاق کلام در تمام این مثال‌ها مباحث ادبی و ذکر اختلاف قرائت است، نه تفسیر آیه.

است و در عین تصریح به عدم وقوع تحریف در قرآن در مقدمه کتاب^{۳۳} گاه از برخی از این روایات شیعی، استفاده تفسیری کرده است.

۳. کارکرد تفسیری روایات اختلاف قرائت در التبیان

اکنون به تفصیل بیشتر در تفسیر التبیان بررسی می‌کنیم. شیخ طوسی در این موارد هنگام بحث از مدلول و تفسیر آیه، با ذکر روایتی از ائمه^{علیهم‌السلام} - که ظاهراً به تحریف آیه اشاره دارد یا قرائتی خاص ایشان را بیان می‌کند - می‌کوشد معنای آیه را بیان کند؛ نه آن‌که صرفاً قرائتی خاص ائمه ذکر کرده باشد.

۱. در تفسیر آیه: «إِنَّ اللَّهَ أَصْطَفَىٰ آدَمَ وَنُوحًا وَعَآلَ إِبْرَاهِيمَ وَعَآلَ عِمْرَانَ عَلَىٰ الْعَالَمِينَ»^{۳۴} می‌گوید:

وَفِي قِرَاءَةِ أَهْلِ الْبَيْتِ: وَآلِ مُحَمَّدٍ عَلَى الْعَالَمِينَ.^{۳۵}

این عبارت وی در سیاق بحث از معنا و مدلول آیه قرار گرفته است. یکی از مباحث مفسران در این آیه آن است که مراد از آل ابراهیم و آل عمران کیست. شیخ طوسی نیز چنین به بحث وارد می‌شود:

فإن قيل من آل إبراهيم؟ قيل: قال ابن عباس والحسن: هم المؤمنون على دينة فيكون بمعنى اختصهم بميزة كانت منهم على عالمي زمانهم. وقيل: آل عمران هم آل ابراهيم، كما قال: ذرية بعضها من بعض، فهم موسى وهارون ابنا عمران. وقال الحسن: آل عمران المسيح لأن أمه مريم بنت عمران - وفي قراءة أهل البيت «و آل محمد على العالمين» - . وقال أيضاً: إن آل ابراهيم هم آل محمد الذين هم أهله وقد بيّنا في ما مضى أن الآل بمعنى الإهل. والآية تدلّ على أن الذين اصطفاهم معصومون منزّهون لأنّه لا يختار ولا يصطفى إلا من كان كذلك و يكون ظاهره و باطنه واحداً فإذا يجب أن يحتصّ الاصطفاء بآل ابراهيم و آل عمران من كان مرضياً معصوماً سواء كان نبياً أو إماماً.^{*}

چنان‌که می‌بینیم، شیخ طوسی در این توضیحات به هیچ روی، از روایت معروف در میان محدثان و مفسران شیعه نام نمی‌برد، بلکه تنها از مفاد آن در بیان مراد آیه استفاده می‌کند. در روایات شیعی، آمده است که امام^{علیه‌السلام} آیه را چنین خوانده‌اند:

إِنَّ اللَّهَ أَصْطَفَىٰ آدَمَ وَنُوحًا وَعَآلَ إِبْرَاهِيمَ وَعَآلَ عِمْرَانَ وَآلِ مُحَمَّدٍ عَلَى الْعَالَمِينَ.

سپس فرمودند:

بخشی از آیه را دیگران از قرآن حذف کرده یا نامی را به جای دیگر قرار داده‌اند.

۳۳. التبیان، ج ۱، ص ۳.

۳۴. سوره آل عمران، آیه ۳۳.

۳۵. التبیان، ج ۲، ص ۴۴۱.

x. التبیان، همانجا.

این روایت را مفسرانی چون فرات کوفی،^{۳۶} عیاشی^{۳۷} و علی بن ابراهیم قمی^{۳۸} از طرق مختلف نقل می‌کنند.^{۳۹} فرات آن را از حرمان بن أعین از امام باقر^{علیه السلام}؛ علی بن ابراهیم به نقل از امام کاظم^{علیه السلام}؛ و عیاشی به نقل از هشام بن سالم از امام صادق^{علیه السلام} آورده‌اند. مهم‌تر آن‌که شیخ طوسی خود آن را از طریق دیگر^{۴۰} در الامالی^{۴۱} نقل می‌کند و در پایان روایت از قول امام صادق آمده است: هکذا نزلت.

۲. در آیه «يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْأَنْفَالِ قُلِ الْأَنْفَالُ لِلَّهِ وَالرُّسُولِ»^{۴۲}، شیخ طوسی پس از ذکر روایتی از امام باقر و امام صادق^{علیهما السلام} می‌گوید:

به فرموده این دو امام، انفال متعلق به خداوند، رسول او و جانشین وی است که هرگونه بخواید در آن تصرف کند. هیچ‌کس در انفال سهمی ندارد. از این دو امام^{علیهما السلام} نقل است که غنایم بدر تنها خاص پیامبر^{صلی الله علیه و آله} بوده. برخی از آن حضرت درخواست کردند تا بدیشان بدهد. از همین رو، در قرائت اهل بیت آمده است: «يَسْأَلُونَكَ الْأَنْفَالِ». خداوند نیز در پاسخ این درخواست فرموده که انفال تنها مختص او و رسولش است.^{۴۳}

اشاره شیخ طوسی به قرائت اهل بیت، مبتنی بر روایاتی است که در تفاسیر پیش از وی ذکر شده است. این روایت در تفسیر نعمانی^{۴۴} چنین آمده است:

عن أحمد بن محمد بن عقدة عن جعفر بن أحمد بن يوسف عن إسماعيل بن مهران عن حسن بن علي بن أبي حمزة عن أبيه عن إسماعيل بن أبي جابر عن أبي عبد الله قال ... قال الله تعالى يسألونك الأنفال قُلِ الْإِنْفَالُ لِلَّهِ وَالرُّسُولِ، فَحَرِّفُوهَا وَقَالُوا يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْإِنْفَالِ.^{۴۵}

* بار دیگر تفاوت بیان شیخ طوسی با محدثان یا مفسرانی از شیعه - که این روایات را ظاهراً پذیرفته‌اند - مشهود است. از سوی دیگر، چون این قرائت (با حذف «عن») از برخی صحابه چون

۳۶. تفسیر الفرات الکوفی، ص ۷۸.

۳۷. تفسیر العیاشی، ج ۱، ص ۱۶۸.

۳۸. تفسیر القمی، ج ۱، ص ۱۰۰.

۳۹. این منقولات بعدها در مجموعه‌های روایی و تفاسیر متأثر شیعه فراوان ذکر شده است. ر.ک: بحار الانوار، ج ۱۱، ص ۲۴، ج ۲۳، ص ۲۲۲ و ۲۲۵، ج ۸۹، ص ۵۶؛ تفسیر نورالتلکین، ج ۱، ص ۳۲۸ و ۳۳۰.

۴۰. «فحام قال حدثني محمد بن عيسى بن هارون، قال حدثني ابو عبد الصمد عن ابيه عن جده - وهو ابراهيم بن عبد الصمد بن محمد بن ابراهيم - قال سمعت جعفر بن محمد^{علیه السلام} يقول كان يقرأ: «إِنَّ اللَّهَ أَشْطَقَنِي نَادِمٌ وَتُرْحَا وَءَالَ ابْنِ هَيْمٍ وَءَالَ عِمْرَانَ وَآلِ مُحَمَّدٍ عَلِيِّ بْنِ الْأَسْطَقِيِّ». قال هكذا أنزلت» (الامالی، ص ۳۰۰). این روایت با همین اسناد در بشارة المصطفی، ص ۳۰۵ آمده است.

۴۱. ص ۳۰۰.

۴۲. سوره انفال، آیه ۱.

۴۳. التبیان، ج ۵، ص ۷۱-۷۲.

۴۴. ر.ک: مستدرک الوسائل، ج ۷، ص ۳۰۰.

۴۵. نیز ر.ک: بحار الانوار، ج ۹۳، ص ۲۱۳ که روایتی با مضمون مشابه را از تفسیر علی بن ابراهیم قمی نقل می‌کند. به جز این، در کتاب القراءات سیاری (ر.ک: القرآن الکریم و روایات المدرستین، ج ۳، ص ۴۰۴) سه روایت دیگر آمده که مضمون آنها تقریباً مشابه، اما روایان متفاوتی دارند.

سعد بن ابی وقاص و عبدالله بن مسعود نیز نقل شده است،^{۴۶} طبرسی در بحث مستقل خود با عنوان «القراءة»،^{۴۷} تمامی این افراد را در کنار هم می‌نشانند و چنین می‌نویسد:

قرء ابن مسعود و سعد بن ابی وقاص و علی بن الحسین و أبو جعفر محمد بن علی الباقر و جعفر بن محمد الصادق و طلحة بن مصرف: یسألونك الأنفال.^{۴۸}

از این جا برمی‌آید که نحوه رفتار شیخ طوسی در برخورد با روایات تحریف، پس از وی و به دست طبرسی منجر به تثبیت این اقوال به عنوان قرائات اهل بیت شده است.

۳. در بیان آیه «يَتَأْتِيهَا النَّبِيُّ جِهْدِ الْكُفَّارَ وَالْمُنَافِقِينَ وَاغْلُظْ عَلَيْهِمْ»^{۴۹}، شیخ طوسی می‌نویسد:

و فی قراءة أهل البيت جاهد الكفار بالمنافقين.^{۵۰}

این سخن، مضمون روایتی کهن است که تمامی تفاسیر متأخر روایی شیعه، آن را از مجمع البیان و گاه تفسیر القمی نقل کرده‌اند.^{۵۱} در این میان، تنها مجلسی است که آن را از مأخذی کهن‌تر نیز نقل می‌کند، وی می‌نویسد:

من در رساله‌ای قدیمی به سند جعفر بن محمد قولویه از سعد بن عبدالله الأشعری القمی ... از امام صادق علیه السلام دیده‌ام که مضمون آن در باب تحریف در آیات برخلاف ما انزل الله است. در شما روایاتی که وی از این رساله نقل می‌کند، یکی همین است که مردی این آیه را بر امام صادق علیه السلام خواند: «جِهْدِ الْكُفَّارَ وَالْمُنَافِقِينَ». امام فرمود: آیا دیده یا شنیده‌اید که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله با منافقین جنگیده باشد. پیامبر با تألیف قلوب منافقان را گرد خود می‌داشت [إِنَّمَا كَانَ يَتَأَلَّفُهُمْ]. خداوند - عزوجل - در این جا فرموده است [و إِنَّمَا قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ]: جَاهِدِ الْكُفَّارَ بِالْمُنَافِقِينَ.^{۵۲}

این بیان نشان می‌دهد که اغلب عالمان شیعه روایت فوق را از قبیل تحریفات قرآن یا دست‌کم در شمار اختلاف قرائات می‌دانسته‌اند؛ اما شیخ طوسی در الثبیان، بی‌آن‌که روایت را رد کند یا از قبیل احاد بشمارد، از آن به گونه تفسیری استفاده می‌کند؛ یعنی کارکرد این روایت از نظر وی صرفاً

۴۶. زجاج (ر. ک: سعد السعود، ص ۲۷۵) و نحاس (معانی القرآن، ج ۳، ص ۱۳۷) این قرانت را از آن سعد بن ابی وقاص دانسته‌اند و طبری (جامع البیان، ج ۹، ص ۲۳۲) و زمخشری (الکشاف، ج ۲، ص ۱۴۱) آن را به ابن مسعود نسبت داده‌اند.

۴۷. مجمع البیان، ج ۴، ص ۴۲۳.

۴۸. به درستی معلوم نیست که مأخذ سخن طبرسی در انتساب این قرائت به امامان مختلف شیعه و نیز زید بن علی چه بوده است. عجیب این‌که ابن عطیة اندلسی (المعجم الوجیز، ج ۲، ص ۴۹۶) نیز این قرائت را عیناً به همین افراد و نیز به عکرمه، ضحاک و عطا نسبت می‌دهد (سخن وی بعدها در البحر المحیط، ج ۴، ص ۴۵۳ تکرار شده است). از آن‌جا که ابن عطیة و طبرسی به فاصله دو سال (۵۴۴ و ۵۴۸ هـ) یکی در شرق و دیگری در غرب عالم اسلامی از دنیا رفته‌اند، یافتن مأخذ مشترک ایشان در این مورد و دیگر جاها می‌تواند برخی تاریکی‌های تاریخ تفسیر را روشن کند.

۴۹. سوره تحریم، آیه ۹.

۵۰. الثبیان، ج ۱۰، ص ۵۲.

۵۱. برای نمونه، ر. ک: تفسیر القمی، ج ۱، ص ۳۰۱؛ مجمع البیان، ج ۵، ص ۸۹، ج ۱۰، ص ۶۳؛ جوامع الجامع، ج ۲، ص ۸۰؛ فقه القرآن، ج ۱، ص ۳۳۲؛ التفسیر الصافی، ج ۲، ص ۳۵۸ و ج ۵، ص ۱۹۷؛ التفسیر الأصفی، ج ۱، ص ۲۷۹ و ج ۲، ص ۱۳۲۵؛ تفسیر نورالثقلین، ج ۲، ص ۲۴۱ و ۲۴۲ و ج ۵، ص ۳۷۵.

۵۲. بحار الأنوار، ص ۶۰ به بعد به‌ویژه ص ۶۶.

تفسیری و به منظور شرح و بیان مدلول آیه بوده است. این امر از مقایسه تعبیر وی در این جا با تفسیر القمی، مجمع البیان، التفسیر الصافی و التفسیر الأصفی و تفسیر نورالثقلین بیشتر روشن می‌شود.^{۵۳} عبارات شیخ طوسی^{۵۴} در تفسیر این آیه چنین است:

قيل: معناه جاهد الكفار بالقتال والحرب، والمنافقين بالقول الذي يردع عن القبيح لا بالحرب إلا أن فيه بذل المجهود، فلذلك سماه جهاداً و في قراءة أهل البيت جاهد الكفار بالمنافقين لأنه - صلى الله عليه وآله - كان يُجاهد الكُفَّار و في عسكره جماعة من المنافقين يقاتلون معه.^{۵۵}

۴. در ذیل آیه «وَعَلَى الثَّلَاثَةِ الَّذِينَ خَلَفُوا حَتَّىٰ إِذَا ضَاقَتْ عَلَيْهِمُ الْأَرْضُ بِمَا رَحَّبَتْ...»^{۵۶}، در بحث از این که این سه تن چه خلاف یا تخلفی کرده‌اند، طوسی اقوال مختلفی ذکر می‌کند و در پایان می‌نویسد:

و في قراءة أهل البيت: خالفوا لأنهم لو خلفوا لما توجه عليهم العتب.^{۵۷}

این نیز روایتی معروف است که در میان تفاسیر کهن شیعی ظاهراً نخستین بار علی بن ابراهیم قمی آن را آورده است.^{۵۸} روایت مذکور به نقل از امام کاظم^{۵۹} (؛ العالم) کمابیش در تفاسیر بعدی نیز انعکاس یافته است.^{۶۰} در این میان، نحوه استفاده شیخ طوسی از این روایت با شیوه نقل آن در مجمع البیان بسیار متفاوت است. شیخ طوسی، به صراحت، از این روایت در بیان مفاد و تفسیر آیه بهره می‌گیرد؛ نه آن را دال بر تحریف قرآن می‌داند و نه حتی مضمون روایت را از قبیل اختلاف قرائات می‌شمارد.^{۶۱} به عکس، طبرسی^{۶۲} در میانه مباحث مربوط به اختلاف قرائات می‌نویسد:

امام زین العابدین، امام باقر، امام صادق^{۶۳} و ابو عبد الرحمن سلمی این آیه را خالفوا خوانده‌اند.^{۶۴}

۵۳. ر. ک: موارد مذکور در پانوشت قبل‌های پیشین.

۵۴. الثبیان، همان جا.

۵۵. این دسته از مفسران در بیان خود غالباً بر الفاظ روایت (قرأ الامام هكذا، هكذا نزلت) تأکید می‌کنند، اما شیخ طوسی به معنای روایت اشاره می‌کند که توضیح و تفسیری بر آیه است.

۵۶. سوره توبه، آیه ۱۱۸.

۵۷. الثبیان، ج ۵، ص ۳۱۵-۳۱۶.

۵۸. تفسیر القمی، ج ۱، ص ۲۹۷-۲۹۸.

۵۹. الکافی، ج ۸، ص ۳۷۸ شکل دیگری از همین روایت علی بن ابراهیم قمی را آورده است که مضمونی ضد شنی و همراه با مذمت سه خلیفه نخستین دارد (نیز، ر. ک: بهار الأنوار، ج ۸۹، ص ۵۸). این روایت باندرکی تفاوت در تفسیر العیاشی (ج ۲، ص ۱۱۵) نیز آمده است. روایت مذکور در الکافی چنین است: «علی بن ابراهیم، عن صالح بن السندي، عن جعفر بن بشير، عن فيض بن المختار قال قال: ابو عبدالله كيف تقرأ و علی الثلاثة الذين خلفوا؟ [ثم] قال: لو كان خلفوا فكانوا في حال طاعة و لكنهم خلفوا عثمان و صاحبه. أما والله ما سمعوا صوت حافرٍ و لا قعقة حجرٍ إلا قالوا أتينا فسلط الله عليهم الخوف حتى أصبحوا (مقایسه کنید: الحدائق الناضرة، ج ۸، ص ۱۰۳).

۶۰. تفسیر الصافی، ج ۲، ص ۳۸۵؛ تفسیر الإصفی، ج ۱، ص ۴۹۶؛ نورالثقلین، ج ۲، ص ۲۹۷.

۶۱. در چنین مواردی، تعبیر «و فی قراءة أهل البيت كذا» در الثبیان نباید ما را به اشتباه اندازد. وی، به عکس طبرسی، این تعبیر را در کنار اقوال قاریان مختلف نمی‌آورد، بلکه غالباً هنگام بیان مراد و تفسیر آیه از آن استفاده می‌کند.

۶۲. مجمع البیان، ج ۵، ص ۱۳۵.

۶۳. از میان مفسران اهل سنت، نحاس (م ۳۳۸ق) در معانی القرآن (ج ۳، ص ۲۶۵) می‌نویسد: «و روی عن جعفر بن محمد أنه قرأ

۵. در باب آیه «وَجَاءَتْ سَكْرَةُ الْمَوْتِ بِالْحَقِّ»^{۶۴}، شیخ طوسی می‌گوید:

والمعنى جاءت سكرة الموت و هي قراءة أهل البيت.^{۶۵}

این نحوه بیان نشان می‌دهد که شیخ طوسی از روایتی معروف - که دیگر مفسران شیعه آن را نشانه تغییر و تحریف^{۶۶} یا اختلاف قرائت منسوب به ائمه^{۶۷} دانسته‌اند - کارکردی دیگر ساخته است. وی به روشنی تصریح می‌کند که معنای آیه این‌گونه است و گویی در آیه، قلب روی داده است. به نظر وی، این امر هم در زبان عربی و هم در خود قرآن نمونه‌های دیگر دارد؛ چنان‌که در آیه «لِكُلِّ أَجَلٍ كِتَابٌ»^{۶۸}، برخی گفته‌اند معنای آیه «لكل كتاب أجل» است.^{۶۹}

۶. در تفسیر آیه «فَلَمَّا قُضِيَنا عَلَيْهِ الْمَوْتُ ما دَلَّهُمْ عَلَى مَوْتِهِ إِلَّا دَابَّةُ الْأَرْضِ تَأْكُلُ مِنْسَأَتَهُ فَلَمَّا خَرَّ تَبَيَّنَتِ الْجِنُّ أَنْ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ الْغَيْبَ ما لَبِثُوا فِي الْعَذَابِ الْمُهِينِ»^{۷۰}، شیخ طوسی پس از ذکر اقوال مختلف در باب معنای آیه، می‌نویسد:

و في قراءة أهل البيت فَلَمَّا خَرَّ تَبَيَّنَتِ الْإِنْسُ أَنْ لَوْ كَانَ الْجِنُّ يَعْلَمُونَ الْغَيْبَ ما لَبِثُوا فِي الْعَذَابِ الْمُهِينِ. [یعنی پس از فروافتادن سلیمان، مردم دریافتند که چنانچه جنیان علم غیب داشتند، در چنان عذاب خوارکننده‌ای نمی‌ماندند] قالوا لَأَنَّ الْجِنَّ كَانَتْ تَعْلَمُ أَنَّهَا لَا تَعْلَمُ الْغَيْبَ قَبْلَ ذَلِكَ وَإِنَّمَا تَبَيَّنَتِ الْإِنْسُ ذَلِكَ مِنْ حَالِ الْجِنِّ.^{۷۱}

این تفسیر شیخ طوسی برگرفته از روایاتی شیعی است که در اغلب آنها از قول امام^ع آمده است که جنیان خود از پیش می‌دانستند که علم غیب نمی‌دانند. لذا پس از این واقعه چیزی بر آنان روشن نشد این غیرجنیان، یعنی انسیان بودند که نادانی جنیان برایشان معلوم شد. نمونه‌ای از روایات شیعی در منابع روایی و تفسیری که شیخ صدوق نیز آورده، چنین است:

احمد بن زیاد بن جعفر الهمدانی قال: حدثنا علي بن إبراهيم بن هاشم، عن أبيه، عن علي بن

﴿خالقوا﴾ این سخن عیناً در الجامع لأحكام القرآن (ج ۸، ص ۲۸۲) نقل شده است که نشان می‌دهد وی اساساً به مجمع البیان نظر نداشته است؛ اما از همه جالب‌تر سخن این جوزی در زاد المسیر (ج ۳، ص ۳۴۸) است که همین قرائت را به چهار فرد غیر معروف در زمینه قرائت نسبت می‌دهد: ابوزین، ابومجلز، الشعبی، ابن‌یعمر.

۶۴. سوره ق، آیه ۱۹.

۶۵. التبیان، ج ۶، ص ۲۶۲؛ فس همان، ج ۹، ص ۳۶۵ که در آنجا، این قرائت را به ابن‌مسعود نیز نسبت می‌دهد. ابن‌حجر عسقلانی (فتح الباری، ج ۹، ص ۲۴) هم این قرائت را به ابوبکر، طلحة بن مصرف و امام زین‌العابدین^ع نسبت می‌دهد.

۶۶. علی بن ابراهیم قمی (تفسیر القمی، ج ۲، ص ۳۲۴) می‌گوید: «و جاءت سكرة الموت بِالْحَقِّ» قال نزلت جاءت سكرة الموت بِالْمَوْتِ.

۶۷. طبرسی (مجمع البیان، ج ۹، ص ۲۲۷) می‌نویسد: «القراءة، فی الشواذ قراءة أبي بكر عند خروج نفسه: و جاءت سكرة الموت بِالْمَوْتِ. و هي قراءة سعيد بن جبیر و طلحة و رواها أصحابنا عن أئمة الهدی^ع». روشن است که طبرسی این مطلب را نه در بیان معنای آیه، بلکه در ضمن بحث جداگانه «القراءة» آورده است. فیض کاشانی (التفسیر الصالحی، ج ۵، ص ۶۱) و حویزی (تفسیر نورالثقلین، ج ۵، ص ۱۱۱) نظر علی بن ابراهیم قمی و نقل طبرسی را در کنار هم ذکر می‌کنند.

۶۸. سوره رعد، آیه ۳۸.

۶۹. التبیان، ج ۶، ص ۲۶۲.

۷۰. سوره سبأ، آیه ۱۴.

۷۱. التبیان، ج ۸، ص ۳۸۴.

معبد، عن حسین بن خالد، عن أبي الحسن علي بن موسى الرضا، عن أبيه موسى بن جعفر، عن أبيه جعفر بن محمد عليه السلام ... ثم قال والله ما نزلت هذه الآية هكذا، وإنما نزلت فلما خُرَّ تَبَيَّنَتِ الْإِنْسُ أَنْ الْجِنَّ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ الْغَيْبَ مَا لَبِثُوا فِي الْعَذَابِ الْمُهِينِ. ^{۷۲}

مجلسی ^{۷۳} نیز به نقل از تفسیر نعمانی از امام علی علیه السلام نقل می‌کند که این آیه از محرفات قرآن است و اصل آن چنین بوده است: فَلَمَّا خُرَّ تَبَيَّنَتِ الْإِنْسُ أَنْ لَوْ كَانَتِ الْجِنَّ يَعْلَمُونَ الْغَيْبَ مَا لَبِثُوا فِي الْعَذَابِ الْمُهِينِ. ^{۷۴} وی از تفسیر علی بن ابراهیم قمی، عن ابیه، عن ابن ابی عمیر، عن ابان بن عثمان، عن ابی بصیر عن ابی جعفر ... روایتی نقل می‌کند ^{۷۵} که سند آن در تفسیر علی بن ابراهیم قمی ^{۷۶} ابن ابی عمیر از هشام از امام صادق علیه السلام آمده است. همو ^{۷۷} می‌نویسد:

من در رساله‌ای قدیمی به سند جعفر بن محمد قولویه از سعد بن عبدالله الأشعری القمی ... از امام صادق علیه السلام دیده‌ام که مضمون آن در باب تحریف در آیات برخلاف ما انزل الله است. در شمار روایاتی که وی از این رساله نقل می‌کند، یکی همین است که مردی این آیه را بر امام صادق علیه السلام خواند. امام فرمود: جتین که خود می‌دانستند علم غیب نمی‌دانند. راوی پرسید: پس این آیه چگونه است؟ امام فرمود: آیه را خداوند چنین نازل کرده است: فَلَمَّا خُرَّ تَبَيَّنَتِ الْإِنْسُ أَنْ لَوْ كَانَتِ الْجِنَّ يَعْلَمُونَ الْغَيْبَ مَا لَبِثُوا فِي الْعَذَابِ الْمُهِينِ.

قرائت فوق و انتساب آن به صحابه در برخی منابع کهن اهل سنت نیز آمده است؛ قدیم‌ترین نمونه از آن عبدالرزاق صنعانی (م ۳۱۱ق) است که می‌نویسد:

مَعَمَّرٌ عَنْ أَيُّوبَ عَنْ عِكْرَمَةَ قَالَ ... ثُمَّ قَالَ: وَ فِي بَعْضِ الْحُرُوفِ تَبَيَّنَتِ الْإِنْسُ أَنْ لَوْ كَانَتِ الْجِنَّ يَعْلَمُونَ الْغَيْبَ مَا لَبِثُوا فِي الْعَذَابِ الْمُهِينِ. ^{۷۸}

مراد از «حروف» در اصطلاح علوم قرآنی همان وجوه مختلف قرائت است. نحاس (م ۳۳۸ق) هم این قرائت را به نقل از قتاده به مصحف عبدالله بن مسعود چنین نسبت می‌دهد:

تَبَيَّنَتِ الْإِنْسُ أَنْ لَوْ كَانَتِ الْجِنَّ يَعْلَمُونَ الْغَيْبَ مَا لَبِثُوا فِي الْعَذَابِ الْمُهِينِ. ^{۷۹}

بعدها حاکم نیشابوری ^{۸۰} به نقل از عطاء بن السائب از سعید بن جبیر از ابن عباس روایت می‌کند که وی آیه را چنین می‌خوانده است:

تَبَيَّنَتِ الْإِنْسُ أَنْ الْجِنَّ لَا يَعْلَمُونَ الْغَيْبَ.

۷۲. علل الشرائع، ج ۱، ص ۷۳-۷۴، عون اخبار الرضا، ج ۲، ص ۲۳۹-۲۴۰.

۷۳. بحار الأنوار، ج ۶۰، ص ۶۹-۷۰.

۷۴. بحار الأنوار، ج ۶۰، ص ۲۷۹.

۷۵. عیناً در تفسیر نور الثقلین، ج ۴، ص ۳۲۶.

۷۶. تفسیر القمی، ج ۲، ص ۱۹۸-۲۰۰.

۷۷. بحار الأنوار، ج ۸۹، ص ۶۰-۶۱.

۷۸. تفسیر الصنعانی، ج ۳، ص ۱۲۸.

۷۹. معانی القرآن، ج ۵، ص ۴۰۵.

۸۰. المستدرک علی الصحیحین، ج ۴، ص ۱۹۷-۱۹۸.

و دست آخر، ابن ندیم^{۸۱} این قرائت را به ابن شنبوذ (م ۳۲۸ق) نسبت می‌دهد.^{۸۲} بار دیگر، این نمونه و نحوه نقل قرائت منسوب به ائمه^{علیهم‌السلام} در الثبیان نشان می‌دهد که شیخ طوسی نه مانند مفسران و محدثان اخباری این رایات را نشانه تحریف قرآن دانسته و نه به کلی از ذکر این روایات خودداری ورزیده است. عمل او در استفاده تفسیری از مضمون برخی از این روایات مهم‌ترین ویژگی تفسیری الثبیان در بیان روایات تحریف یا اختلاف قرائات منسوب به ائمه^{علیهم‌السلام} است. با توجه به نظریه شیخ طوسی مبنی بر عدم تحریف قرآن - که در ابتدای تفسیر خود^{۸۳} و به تاسی از شریف مرتضی آن را مطرح می‌کند - باید نتیجه گرفت که از نظر شیخ طوسی نقل اختلاف قرائات، چه از جانب قاریان معروف هفت‌گانه و ده‌گانه و چه منسوب به ائمه اطهار^{علیهم‌السلام} نمی‌توانسته دال بر تحریف قرآن باشد. یک سده بعد، امین الاسلام طبرسی تمام این روایات را در بخش اختلاف قرائات تفسیر خود مجمع البیان لعلوم القرآن گنجانده است.

تکمله: درباره سیاری و کتاب القراءات وی

کتاب القراءات از احمد بن محمد بن سیتار (ابوعبدالله الکاتب البصری)، معروف به سیاری است.^{۸۴} طوسی این اثر وی را کتاب القراء^{۸۵} می‌نامد. تقریباً تمام رجالیان شیعه در تضعیف وی - که از اصحاب امام هادی^{علیه‌السلام} و امام حسن عسکری^{علیه‌السلام} به شمار می‌آید^{۸۶} - متفق القول اند. از تاریخ ولادت و وفات او به درستی اطلاعی در دست نیست. تنها ابن حجر^{۸۷} وفات وی را در اواخر قرن سوم هجری دانسته است. این تاریخ کمی نادرست می‌نماید؛ زیرا اولاً محمد بن حسن صفار قمی (م ۳۹۰ق) در بصائر الدرجات، و احمد بن خالد برقی (م ۲۷۴ق) در المحاسن با واسطه و گاه بدون واسطه از او نقل می‌کنند. ثانیاً بنابه نقل طوسی،^{۸۸} وقتی در نامه‌ای از امام جواد^{علیه‌السلام} (۱۹۵ - ۲۲۰) درباره سیاری پرسیده می‌شود، ایشان می‌فرمایند:

او در جایگاهی که برای خود ادعا می‌کند قرار ندارد؛ به او چیزی نپردازید.

این نقل چنانچه صحیح باشد،^{۸۹} نشان می‌دهد که سیاری در زمان وفات امام جواد^{علیه‌السلام} به سال

۸۱. الفهرست، ص ۳۴.

۸۲. مقایسه کنید: الکنی و الألقاب، ج ۱، ص ۳۳۲ که با نقل این قرانت از ابن شنبوذ، به عکس دیگران وی را بسیار مدح می‌کند.

۸۳. الثبیان، ج ۱، ص ۳.

۸۴. رجال النجاشی، ص ۸۰.

۸۵. الفهرست، ص ۶۶.

۸۶. ابن ادریس حلی در السرائر (ج ۳، ص ۵۶۸) وی را، به اشتباه، از اصحاب امام موسی کاظم و امام رضا^{علیهم‌السلام} به شمار می‌آورد. این اشتباه بعدها در جواهر الکلام (ج ۱۳، ص ۲۷۶) هم تکرار شده است.

۸۷. لسان المیزان، ج ۱، ص ۲۵۲.

۸۸. اختیار معرفة الرجال، ج ۲، ص ۸۶۵.

۸۹. علت تردید در صحت انتساب این نامه به امام جواد^{علیه‌السلام} آن است که هیچ‌یک از رجالیان امامی از هم‌عصری وی با امام جواد^{علیه‌السلام} سخن نگفته، اما غالباً بر مصاحبت او با امام هادی^{علیه‌السلام} و امام عسکری^{علیه‌السلام} تصریح کرده‌اند.

۲۲۰ هجری باید در سنی بالا (دست‌کم سی ساله) باشد تا بتواند با ادعای مرتبه‌ای قابل قبول در دانش، مرجع دریافت وجوهات از مردم باشد.

طوسی^{۹۰} و نجاشی^{۹۱} به‌جز این، اثر دیگری با عنوان ثواب القرآن را نیز به وی نسبت می‌دهند. کتاب القراءات را گاه برخی با نام التزیل و التحریف هم خوانده‌اند؛ از جمله حسن بن السلیمان حلی در مختصر بصائر الدرجات (ص ۲۰۴). کتاب القراءات بنابه نقل حاجی نوری^{۹۲} و آقابزرگ تهرانی^{۹۳} در دست بسیاری از عالمان شیعه بوده و برخی از ایشان به رغم تضعیف وی، از او بسیار نقل کرده و گاه بر آنها اعتماد کامل داشته‌اند؛ از جمله کلینی در الکافی، ابن‌ادریس در مستطرفات السرائر^{۹۴} و محمّد بن عباس بن ماهیار در تفسیرش (با عنوان منزل من القرآن فی اهل‌البيت).

چنان‌که در بالا گذشت، محمّد بن حسن صفار قمی (م ۲۹۰ق) در بصائر الدرجات و احمد بن محمّد بن خالد برقی (م ۲۷۴ق) در المحاسن نیز از او فراوان نقل کرده‌اند. حاجی نوری^{۹۵} آقابزرگ^{۹۶} از دیگر محدثان و اصحاب ائمه چون حمیری [عبدالله بن جعفر م. بعد از ۲۹۷] و ابوعلی اشعری [احمد بن ادريس قمی م. ۳۰۶]، موسی بن الحسن اشعری و حسین بن محمّد بن عامر نیز نام می‌برند.

در میان متأخران، به‌جز حاجی نوری در مستدرک الوسائل، در حاشیه‌المدارک نیز منقولات فراوانی از آن آمده است. در سال‌های اخیر، محمّدعلی امیرمعزی و ایتان گلپریگ کوشیده‌اند این کتاب را بر اساس چند نسخه خطی تصحیح و در انتشارات بریل (لایدن) منتشر کنند؛ اما به نظر می‌رسد کتاب هنوز آماده انتشار نیست.^{۹۸}

محتوای منقولاتی که از کتاب القراءات سیاری، در لابه‌لای آثار دیگر عالمان شیعه به دست ما

۹۰. الفهرست، ص ۶۶.

۹۱. رجال النجاشی، ص ۸۰.

۹۲. نیز، ر.ک: الذریعة، ج ۱۷، ص ۵۱.

۹۳. خاتمة، ج ۱، ص ۱۱۲-۱۱۴.

۹۴. الذریعة، ج ۱۷، ص ۵۱.

۹۵. ذکر این نکته لازم است که هیچ‌یک از نقل‌های کلینی در کتاب الکافی و ابن‌ادریس در کتاب السرائر از روایات سیاری، به حوزه تفسیر و قرائات قرآن مربوط نیست.

۹۶. خاتمة مستدرک الوسائل، ج ۱، ص ۱۱۴.

۹۷. الذریعة، ج ۱۷، ص ۵۱.

۹۸. مقاله‌ای که در پایان سال ۲۰۱۵م، در مجله آسیایی (*Journal asiatique*) چاپ شده، در واقع مقدمه‌ای است که این دو مصحح به زبان فرانسوی بر متن کتاب نگاشته‌اند. بخش اعظم این مقدمه شصت صفحه‌ای را گزارشی از پژوهش‌های غربیان درباره تاریخ تدوین قرآن، اختلاف روایات اسلامی در ارائه گزارشی دقیق درباره این موضوع، دیدگاه شیعیان نخست در عصر ائمه درباره قرآن و جامعیت آن، و روایات تحریف قرآن در متون روایی کهن شیعه به خود اختصاص داده است. در بخش چهارم مقاله، امیرمعزی و گلپریگ، به تفصیل، به معرفی سیاری و حیات وی می‌پردازند و در بخش پنجم، ساختار و محتوای کتاب القراءات سیاری را تجزیه و تحلیل می‌کنند. مشخصات کتاب‌شناختی مقاله مذکور چنین است:

Mohammad Ali Amir-Moezzi & Etan Kohlberg, "Révélation et falsification: introduction à l'édition du *Kitāb al-Qirā'āt d' al-Sayyārī*", *Journal Asiatique* 293 ii (2005), pp. 663-722.

رسیده است، نشان می‌دهد این اثر را نباید در موضوع قرائات قرآن به معنای اصطلاحی آن دانست. اغلب این روایات، توضیحاتی تفسیری در باب آیات قرآن و مسائل مرتبط با جایگاه ائمه علیهم‌السلام است. البته گاه در لابه‌لای این روایات، مواردی یافت می‌شود که در آن نحوه خاصی از قرائت آیه به‌جای شیوه رایج آن توصیه شده است.^{۹۹} بنابراین، مناسب‌تر می‌نماید این کتاب را بیشتر اثری تفسیری بدانیم که برخی از روایات آن را مفسران پس از وی در شمار اختلاف قرائات قرار داده‌اند.^{۱۰۰}

کتابنامه

- اختیار معرفة الرجال المعروف برجال الكشي، ابو جعفر محمد بن حسن طوسی، تحقیق: سید مهدی رجایی، قم: مؤسسه آل‌البيت لإحياء التراث، ۱۴۰۴ق.
- الأمالی، ابو جعفر محمد بن حسن طوسی، تحقیق: مؤسسة البعثة، قم: دارالثقافة، ۱۴۱۴ق.
- بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار، علامه محمدباقر مجلسی، بیروت: مؤسسة الوفاء، ۱۴۰۳ق / ۱۹۸۳م.
- بشارة المصطفى، عمادالدين بن ابی‌القاسم طبري، تحقیق: جواد قیومی الاصفهانی، قم: مؤسسة النشر الاسلامی، ۱۴۲۰ق.
- البيان في تفسير القرآن، سيد ابوالقاسم خویی، بیروت: دارالزهراء، ۱۳۹۵ق / ۱۹۷۵م.
- تاريخ القرآن، ابو عبدالله زنجانی، مقدمه: احمد امين، بیروت: مؤسسة الأعلمی للمطبوعات، ۱۳۸۸ق / ۱۹۶۹م.
- الثبيان في تفسير القرآن، ابو جعفر محمد بن حسن طوسی، تحقیق: احمد حبيب قصير العاملي، بیروت: دار احياء التراث العربي، بی‌تا.
- التفسير الأصفی، ملامحسن فیض کاشانی، قم: مکتب الاعلام الاسلامی، ۱۴۱۸ق / ۱۳۷۶ش.
- تفسير البحر المحیط، ابوحيان غرناطی (ابو عبدالله محمد بن يوسف علی بن يوسف)، تحقیق: عادل احمد عبدالموجود و دیگران، بیروت: دارالمعرفة، ۱۴۲۲ق / ۲۰۰۱م.
- تفسير الشهرستاني (مفاتيح الأسرار و مصابيح الأبرار)، تاج‌الدين محمد بن عبدالکریم شهرستانی، تصحیح: محمدعلی آذرشب، تهران: دفتر نشر میراث مکتوب، ۱۴۱۷ق / ۱۹۹۷م.
- التفسير الصافي، ملامحسن فیض کاشانی، تحقیق: حسین الاعلمی، تهران: مکتبة الصدر، بی‌تا، قم: مؤسسة الهادی، ۱۴۱۶ق.
- تفسير الصنعاني، عبدالرزاق بن همام صنعاني، تحقیق: مصطفی محمد مسلم، ریاض: مکتبة الرشد، ۱۴۱۰ق.

۹۹. علامه سید مرتضی عسکری در جلد سوم کتاب القرآن الکریم و روایات المدوستان یا نقل عمده این روایات بر اساس نقل‌های نوری طبرسی در فصل الخطاب، به بررسی سندی و متنی آنها پرداخته و تمامی این روایات را مردود شمرده است.
 ۱۰۰. سید محمدباقر حجتی (کشاف الفهارس و وصف المخطوطات العربية فی مکتبات فارس، ص ۲۷۵-۲۷۸) از وجود پنج نسخه خطی این اثر در کتابخانه‌های داخل ایران خبر می‌دهد و ویژگی‌های هریک را برمی‌شمارد.

- تفسیر العیاشی، ابونضر محمد بن مسعود عیاشی، تحقیق: سید هاشم رسول محلاتی، تهران: المكتبة العلمية الاسلامية، بی تا.
- تفسیر الفرات الکوفی، ابوالقاسم فرات بن ابراهیم فرات کوفی، تحقیق: محمد الکاظم، تهران: وزارة الثقافة و الارشاد الاسلامی، ۱۴۱۰ق.
- تفسیر القرآن العظیم، ابن کثیر (عمادالدین ابوالفداء اسماعیل قرشی)، مقدمه: یوسف عبدالرحمن مرعشلی، بیروت: دارالمعرفة، ۱۴۱۲ق / ۱۹۹۲م.
- تفسیر الفعی، علی بن ابراهیم قمی، تحقیق: سید طیب موسوی جزائری، نجف: ۱۳۸۷، قم: دارالکتاب للطباعة و النشر، ۱۴۰۴ق.
- تفسیر نورالثقلین، عبدعلی بن جمعة عروسی حویزی، تحقیق: سید هاشم رسولی محلاتی، قم: مؤسسة اسماعیلیان، ۱۴۱۲ق / ۱۳۷۰ش.
- جامع البیان عن تأویل آی القرآن، ابوجعفر محمد بن جریر طبری، چاپ صدقی جمیل العطار، بیروت: دارالفکر، ۱۴۱۵ق / ۱۹۹۵م.
- الجامع لأحكام القرآن، ابو عبدالله محمد بن احمد انصاری قرطبی، تصحیح: احمد عبدالعظیم البردونی، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۵ق / ۱۹۸۵م.
- جوامع الجامع، امین الاسلام فضل بن حسن طبرسی، قم: مؤسسة النشر الاسلامی، ۱۴۱۸ق.
- الجواهر الحسان فی تفسیر القرآن، ابوزید عبدالرحمن بن محمد بن مخلوف ثعالبی، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۱۸ق / ۱۹۹۷م.
- جواهر الکلام، محمد حسن نجفی، تحقیق: شیخ عباس قوچانی، تهران: ۱۳۷۶ش.
- الحدائق الناضرة فی احکام العترة الطاهرة، شیخ یوسف بحرانی، تحقیق: محمدتقی ایروانی، قم: مؤسسة النشر الاسلامی، بی تا.
- خاتمة مستدرک الوسائل، میرزا حسین نوری طبرسی، قم: مؤسسة آل البيت لاحیاء التراث، ۱۴۱۵ - ۱۴۱۶ق.
- الدرالمثور فی التفسیر بالمأثور، جلال الدین عبدالرحمن بن ابی بکر سیوطی، بیروت: دارالفکر، بی تا.
- الذریعة الی تصانیف الشیعة، آقابزرگ تهرانی، تحقیق: علی نقی منزوی و احمد منزوی، بیروت: ۱۴۰۳ق / ۱۹۸۳م.
- زاد المسیر فی علم التفسیر، ابن جوزی (ابوالفرج جمال الدین عبدالرحمن بن علی بن محمد)، بیروت: دارالفکر، ۱۴۰۷ق / ۱۹۸۷م.
- السرائر، ابن ادریس حلی، قم: مؤسسة النشر الاسلامی، ۱۴۱۱ق.
- سعد السعود، ابن طاووس (ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن جعفر)، نجف: المطبعة الحیدریة، ۱۳۶۹ق، ۱۹۵۰م.
- علل الشرايع، ابوجعفر محمد بن حسن بن حسین صدوق، نجف: المطبعة الحیدریة، ۱۳۸۵ق / ۱۹۶۶م.

- عيون اخبار الرضا شيخ صدوق، چاپ حسين الأعلمی، بيروت: مؤسسة الأعلمی للمطبوعات، ۱۴۰۴ق / ۱۹۸۴م.
- فتح الباری شرح صحيح البخاری، ابن حجر عسقلانی (شهاب الدين ابو الفضل احمد بن علی)، چاپ بولاق، ۱۳۰۰ق، افسست بيروت: دارالمعرفة، بی تا.
- فقه القرآن، قطب الدين راوندى، تحقيق: سيد احمد هاشمی، قم: مكتبة آية الله العظمى النجفی المرعشى، ۱۴۰۵ق.
- الفهرست، ابن النديم (ابوالفرج محمد بن ابى يعقوب)، تحقيق: رضا تجدد، تهران: ۱۳۵۰ش.
- الفهرست، ابو جعفر محمد بن حسن طوسی، تحقيق: جواد قیومی، قم: مؤسسة نشر الفقاهة، ۱۴۱۷ق.
- فهرست اسماء مصنفي الشيعة المشتهر برجال النجاشي، ابو العباس احمد بن علی نجاشی، تحقيق: سيد موسى شبيري زنجانی، قم: مؤسسة النشر الاسلامی، ۱۴۰۷ق.
- القرآن الكريم و معالم المدرستين، سيد مرتضى عسکری، تهران: مجمع العلمی الاسلامی، ۱۴۱۶ - ۱۴۲۰ق / ۱۹۹۶ - ۱۹۹۹م.
- قراءات أهل البيت القرآنية، مجيب الرفیعی، قم: دارالغدير، ۱۴۲۴ق / ۲۰۰۳م.
- الكافي، ثقة الاسلام ابو جعفر محمد بن يعقوب بن اسحاق كلینی، تحقيق: علی اكبر غفاری، تهران: دارالکتب الاسلامية، ۱۳۸۸ق.
- كتاب العین، عبدالرحمن خليل بن احمد فراهيدي، تحقيق: مهدي المخزومي و ابراهيم السامرائي، قم: دارالهجرة، ۱۴۰۹ق.
- كشاف الفهارس و وصف المخطوطات العربية في مكاتبات فارس، تهران: سروش، ۱۳۷۰ش.
- الكشاف عن التنزيل و عيون الأقاويل في وجوه التأويل، ابو القاسم جارالله محمود بن عمر زمخشري، قاهره: مطبعة مصطفى البابي الحلبي، ۱۳۸۵ق / ۱۹۶۶م.
- الكنى و الالقاب، شيخ عباس قمی، مقدمه: محمد هادی امینی، تهران: مكتبة الصدر، بی تا.
- لسان المیزان، ابن حجر عسقلانی (شهاب الدين ابو الفضل احمد بن علی)، بيروت: مؤسسة الأعلمی، ۱۳۹۰ق / ۱۹۷۰م.
- مجمع البيان في تفسير القرآن، امين الاسلام فضل بن حسن طبرسي، تحقيق: گروهی از علماء و محققان، با مقدمه سيد محسن امين عاملي، مؤسسة الاعلمی للمطبوعات، ۱۴۱۵ق / ۱۹۹۵م.
- المحرر الوجيز في تفسير الكتاب العزيز، ابن عطية (ابومحمد بن عبدالحق بن غالب)، تحقيق: عبدالسلام عبدالشافی محمّد، بيروت: دارالکتب العلمية، ۱۴۱۳ق / ۱۹۹۳م.
- مختصر بصائر الدرجات، حسن بن السليمان حلي، نجف: المطبعة الحيدرية، ۱۳۷۰ق / ۱۹۵۰م.
- مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، ميرزا حسين نوري طبرسي، قم: مؤسسة آل البيت لاحياء التراث، ۱۴۰۸ - ۱۴۰۹ق / ۱۹۸۷ - ۱۹۸۸م.
- المستدرک علی الصحيحين، ابو عبدالله حاکم نيشابوري، تحقيق: يوسف عبدالرحمن المرعشلي،

بیروت: دارالمعرفة، ۱۴۰۶ق.

- معانی القرآن الکریم، ابوجعفر احمد بن محمد بن اسماعیل بن یونس مرادی نَحَّاس، تحقیق: محمد علی الصابونی، مکة: جامعة أم القرى، ۱۴۰۸ق / ۱۹۸۸م.

- معجم رجال الحديث و تفصیل الرواة، سید ابوالقاسم خوئی، بی جا، پنجم، ۱۴۱۳ق / ۱۹۷۵م.

- مناقب آل ابی طالب، ابن شهر آشوب (ابوعبدالله محمد بن علی) نجف: المطبعة الحیدریة، ۱۳۷۶ق / ۱۹۵۶م.

- منهج الشيخ ابی جعفر الطوسی فی تفسیر القرآن الکریم، کاصد یاسر الزیدی، بغداد: بیت الحكمة، ۲۰۰۴م.

- میراث مکتوب شیعه از سه قرن نخستین هجری، حسین مدرسی طباطبائی، ترجمه سید علی قرائی و رسول جعفریان، قم: کتابخانه تخصصی تاریخ اسلام و ایران، ۱۳۸۳ش.

- «التبیان فی تفسیر القرآن»، مرتضی کریمی نیا، دانشنامه جهان اسلام، زیر نظر غلامعلی حدادعادل، ج ۶، تهران: بنیاد دائرة المعارف اسلامی، ۱۳۸۰.

- «قراءات ائمه»، سهیلا شینی میرزا، فصلنامه بینات، سال ۱۲، ش ۴، ش پایی ۴۸، زمستان ۱۳۸۴، ص ۱۱۱ - ۱۳۳.

- Meir M. Bar-Asher, "Variant readings and additions of the Imāmī-Šīa to the Quran", in *Israel Oriental Studies*, 13 (1993) pp. 39-74.

- Mohammad Ali Amir-Moezzi & Etan Kohlberg, "Révélation et falsification: introduction à l' édition du *Kiṭāb al-Qirā'āt d' al-Sayyārī*", *Journal Asiatique* 293 ii (2005), pp. 663-722.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی